

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

کتاب مجموعه سوره

شماره ثبت کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۵۶۲۵

۹۱۱۸۱

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

کتاب مجموعه سوره

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۵۶۲۵

۹۱۱۸۱

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

الحمد لله رب العالمين

卷之六

卷之五

۱۲۰

卷之五

215

ایام جمعہ و اہد

三

كتاب التكملة

برجیہ جہانگیر

بیت نمبر ۱۷۱۱

شیخ محمد بن ابی بکر

شیخ اسحاق بن علی

بسم الله الرحمن الرحيم

بر پشت کمال الدین میرزا

11

مسجد جامع تبریز

卷之四

21/11/1900

一

...

卷之四

تاریخ

شیخ محمد بن علی بن محمد

حجۃ الاسلام

دستخدا که برادر است از خدای تعالی

عن عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: من قرأ سورة الواقعة في ليلة نزلت فيها، لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة.

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب بقیعہ بخوان قرآن المداومہ الکریمہ المداومہ

[illegible]

607

[illegible][illegible]

المستخرج من كتاب الامام احمد رضا قدس سره

و نه که در استقامت این یکدیگر را

هسته بکلاش برادران شیخ ابوالحسن ازاد در

طاب من خرم و دانست که از عهد سنجید اول خرم و حرم که

دکن و نیم گرم کوبیده و برافروخته و نیم گرم بزرگ و نیم گرم

شماره پنجم از کتابخانه عمومی

والتحقيق في ذلك هو الذي ينبغي ان يكون

استغفار حرفان را آغازست گفت تا اهل انفسا
در یکا بهیچر بهیچر بر این راه رفت بر نه ایستادند و گفتند
ش خطیست بر این راه رفت باید نه ایستادند که شرف
سر را است که چون رفت بر این راه گفتند که شرف
سفر را که یک سال که یک نفر بر این راه گفتند در این راه
از هر جایی که بر این راه است که در هر یک که بهیچر
بر حجت رفیع شد که بهیچر بهیچر در این راه
خاک نهاده و بهیچر بهیچر در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
میباشد تا آخر نیست نه ایستادند در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
امید بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
در این راه که بهیچر بهیچر در این راه
آه که از این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
علیه السلام که بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف

در این راه

سلام که در این راه گفتند که شرف
در این راه که بهیچر بهیچر در این راه
خاک نهاده و بهیچر بهیچر در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
میباشد تا آخر نیست نه ایستادند در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
امید بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
در این راه که بهیچر بهیچر در این راه
آه که از این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
علیه السلام که بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف

در این راه

ایستادند و گفتند که شرف
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
میباشد تا آخر نیست نه ایستادند در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
امید بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
در این راه که بهیچر بهیچر در این راه
آه که از این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
علیه السلام که بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف

در این راه که بهیچر بهیچر در این راه
خاک نهاده و بهیچر بهیچر در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
میباشد تا آخر نیست نه ایستادند در این راه
بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
امید بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف
در این راه که بهیچر بهیچر در این راه
آه که از این راه گفتند که شرف
مهرش که خاکی از این راه که در این راه
علیه السلام که بهیچر بهیچر در این راه گفتند که شرف

که برینچه از انرا بسبب علوفت کنند ستمت اهل کشت و در
حدول و انظار اهل مدینه و الحاد و دینیه الدنیا اهل
و حقیقت شده و در مجرب صدور و فرموده ادا و در صلاح
طریقت کشته طبعی که خال الله تعالى الخ و انما
المسا و قلوب امرایه تن غیر نرند بهر از ان صفه
صفه ان بی نیجه فرموده است المثلها ای کما
نیسه بجهلها ایل اکثر و انما یجوز
لینک فی المشرق که بیست هفت بهر و در
نرسیده ان محبت جز در مدین ابراهیم رضایت
پیغمبر و انکه الله لیس فی مریک ان دین
از هر جا که انکم بهر و در ان غیث و خلعت حق
به هر چه بی نیجه که بیست هفت بهر و در ان
الحی و انما یجوز که لا یجوز که بیست هفت بهر و در ان
انما یجوز که بیست هفت بهر و در ان
چرا بیست هفت بهر و در ان

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

卷之四

فصل در آتش شدن کرم به جنس و ان با غلات است
بهر سخن که بطریق تفریق است جهات را سخن در ضمن خود
سوزانند و مانند قوا چشمه در بر آگه و سوزانند
وقوع آید که در راجع و هوا و بخار و قوت است بدانند
است که بیابانها و بیابان و کوه و درختان و کتب است که
این که در کوه و درختان و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
چندان منتظرند و در کوه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
منقول از خود و لایحه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
خبر نامه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
بیشتر زیاده از دفع است و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
است که درختان و کوه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
بدان نایند که کتب و غلات و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
شود که کتب و غلات و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان
یک از کوه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان و کوه و درختان

[illegible]

237

بنده فدای تو دارم و بکشدند بجان قسم بوشید و بکشیدم
که در نزد تو در دوزخ بودم تا بر خود تو شید و بکشیدم
آهست عذابا عذابا تا بجان تو قسم بوشیدم و بکشیدم
خود و جسم بجان تو که کرد و یک ساله اند که در بکار خود
دلدارا بخود نبرد چه که بجز از سر و طبع و جوهر بجز
عاقبت خانه مقدره خانه مشقت و مصداق است از بار و دلت
بجز شریک هیچ مشقت نباشد کم کم و بجان دست
شام بخورند و تفرقه بجای است پیش و دوزخ و طغیان
دختران و کور کنند و غایتش مطلق نباشد
دور از این است که یک ساله در دست از کمر است از سر
باید از تو در مشروب و دایم تو را مطلوب باشد و یک
بسیار طبع و مشرب و وقت کرد دست در دوزخ بجان پیش
باید از حق بجان بجز و دعای تو بر تو باشد و بجز
است و هیچ و در دوزخ که هر روز هست شفره هست
ششال بر لب خبر با حراف مذکور به بجز از سر و طبع
نموده بیست صند و از کار داد و بدست یک روز باشد بخور
دگر بر دوزخ شش صند و بجز از سر و دگر هر روز باشد

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

